

شهریور ۲۰ و روزهای تحقیر آمیز دوران پهلوی و قاجار در آثار نمایشی چه طور تصویر شده‌اند

آن روزهای سیاه



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به ایران چشمان خواب رفته بسیاری را بیدار و آتش غرور ملی را برافروخته کرد. غم و اندوه در آن روزهای چهره کشور بزرگ ما را در هم فرو برده بود، ولی مردم و نیروهای نظامی - انتظامی ما سسنگر حراست از خاک وطن را خالی نکردند و بسا بهره‌مندی از یک خود آگاهی بی‌نظیر تاریخی هویت خود را به رخ دشمنان و ناکشورهای منطقه خاورمیانه کشاندند. حال باید پرسید که این خود آگاهی تاریخی چگونه و بر چه اساسی می‌تواند در ذهن ایرانیان شکل گرفته و به مرور نهادینه شود؟ ما از صد و اندی سال پیش تاکنون با دست‌اندا زهای سخت تاریخی مواجه بوده‌ایم و حسابی آب‌دیده شده‌ایم؛ در جنگ جهانی اول و دوم «بی‌طرف» بودیم ولی کشورمان در هر دوی این معرکه‌ها اشغال شد. پازل روایت دفاع مقدس اما با بازگشت مردم و حاکمیت ایران به خویشتن خویش به سمتی پیش رفت که هم حقانیت ما را در طول جنگ هشت ساله به اثبات رساند و هم دولت و ملت را به‌صورت یکپارچه در دفاع از مواضع به حق ایران اسلامی هم‌قسم کرد. اکنون سیطره رسانه‌های ریز و درشت در زندگی ما به حد اعلا رسیده است و صرفاً نمی‌توانیم با مطالعه کتاب و رجوع بدون واسطه به گذشته، کار ویژه و به‌خصوصی برای خود آگاهی تاریخی مان انجام دهیم و از شکست‌ها و پیروزی‌های خود حرف

در چشم باد

نام «مسعود جعفری جوزانی» با اسمم ایران گره خورده است. بسیاری او را با مجموعه تلویزیونی «در چشم باد» می‌شناسند و او را به چشم یک کارگردان وطن‌دوست و مخالف سفت و سخت دشمنان خارجی ملت در نظر می‌گیرند. او پیش از آنکه پشت دوربین این سریال قرار بگیرد با «شیر سنگی» و «در مسیر تندباد» دین خویش را به وطنش ادا کرده بود، اما جوزانی عملاً با در چشم باد در لیگ دیگری بازی کرد و توانست با بهره‌گیری از مخاطبان میلیون تلویزیون در آن سال‌ها حسایی جریان وطن‌دوستی در میان ایرانیان را شدت ببخشد. فیلمساز در چشم باد به بهانه مرور زندگی خانواده «ایرانی» از قیام میرزا کوچک‌خان تا آزادسازی خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱ را با مخاطبان به اشتراک گذاشت و به‌خوبی توانست وضع دیروز و امروز ملت را در رسیدن به آرمان‌هایش نشان دهد. انگلیس و شوروی کشور ما را در طول جنگ جهانی دوم اشغال کرده و نظم مستقر را علی‌رغم آمادگی کامل سربازان غیور ارتش برای دفاع از جان و ناموس خود مجبور به تسلیم کردند! جوزانی توانست این ایام را به‌خوبی در ساختمان تصویری ارتش ترسیم و بازنمایی کند تا جنگلی متوجه آسیب‌های تاریخی دشمنان خارجی و نفوذ آن‌ها به کشور شوند. در چشم باد، یک درس تصویری فشرده با محوریت وطن‌دوستی است که می‌گوید برای نشان دادن غیرت ملی خود هیچ نیازی به فاصله گرفتن از اسلام و شعائر آن نداریم؛ نه‌تنها نداریم، بلکه ایران‌دوستی منهای اسلام همان مسیر اشتباهی

خاتون

تاریخ شکل‌گیری پدیده «شبکه نمایش خانگی» را که مرور می‌کنیم به کمتر اثر شاخصی برمی‌خوریم که «ایران» در آن محوریت و موضوعیت داشته باشد! گویی بسیاری از دست‌اندرکاران تولیدات نمایشی در بستر VOD ها در جزیره‌های جدامانده‌ای زندگی می‌کنند که «ایران» برایشان حتی یک معنا و مفهوم انتزاعی هم در پی ندارد! باری، «تینا پاکروان» با تولید و نمایش سریال «خاتون» رویه را اندکی تغییر داد و باعث شد تا نگاه بخشی از طبقه متوسط به مسئله خاک و دفاع از آن در برابر متجاوز جلب شود. سریال خاتون اولین مجموعه تلویزیونی از یک تریلوژی عاشقانه بود که پس از آن «تاسیان» نیز همین راه را در پیش گرفت. در واقع فیلمساز، با محور قرار دادن تاریخ پُر فراز و نشیب ایران در رژیم پهلوی سعی کرد داستان مردم در آن روزگار را روایت کند و در ضمن آن، حرف‌هایش را نیز در متن درام از زبان شخصیت‌های پیرنگ به بینندگانش انتقال دهد. همیشه به‌درستی می‌گویند «کار، کار، انگلیسی‌هاست»، ولی این نباید فراموش شود که روس‌ها نیز در این میان نقشی اساسی ایفا کردند و مردم ایران را با دردرس‌های

بزینم. در این نقطه است که باید با واسطه قرار دادن آثار تلویزیونی و سینمایی به گذشته مراجعه کنیم و از آن درس بگیریم. اگر بیداری تاریخی ملت ما در جنگ ۱۲ روزه به کمک ارتش دلیر و سپاه قهرمان نمی‌آمد، معلوم نبود چه نتیجه‌ای رقم می‌خورد. در این شرایط وظیفه هنرمندان ما این است که دفاع مقدس ۱۲ روزه را مبنا قرار دهند و دست به تولید آثار مرتبط بزنند.

قوای متفکین در شهریور ۱۳۲۰ با وجود اعلام بی‌طرفی از سوی حکومت وقت، از طریق مرزهای جنوبی، شرقی، شمالی و غربی به ایران حمله‌ور شدند و ظرف چند ساعت کشور نسخه دولت رضاخانی را پیچیدند. از آن ایام در سینما و تلویزیون قبل از انقلاب به جز مجموعه تلویزیونی «دایی جان ناپلئون» کسه در پس زمینه خود، به خصوصت دایی جان با انگلیسی‌ها می‌پرداخت اثر درخور توجه دیگری به چشم نمی‌خورد! در واقع این سریال تأثیر جنگ جهانی دوم بر روابط اجتماعی میان خانواده‌های زهوار در رفته اشرافی را نشان می‌داد و اولین اثر جدی در رابطه با حمله شوروی و انگلیس به خاک ایران بود. اما با وقوع انقلاب اسلامی ماجرا بُعد جدی‌تری به خود گرفته و استکبار جهانی به مسئله اساسی جمهوری اسلامی تبدیل شد. ما قصد داریم به آثار تلویزیونی و پلتفرمی مهم در رابطه با حمله نیروهای خارجی در طول جنگ‌های اول و دوم جهانی به ایران بپردازیم تا به این بهانه، تأثیر رسانه در شکل‌گیری هویت ملی - میهنی ستبر و نامیرای ایرانیان در نظام ارزشی خود را مرور کنیم.



راز سرخ؛ نغمه‌ای ملحون به دلدادگی با سینما

تصمیم گرفتند قطعه را به مادر شهید علی هاشمی و فیلم تقدیم کنند. فیلم اشک‌هور، روایتی است از زخم، امید و قهرمان حقیقی جنگ؛ مادران شهید! راز سرخ در همراهی با این روایت، تجربه‌ای چندلایه از سوگاری، همبستگی و عبور از تاریخ را رقم می‌زند. شعر این قطعه سروده میلاد عرفان‌پور است که در فضایی حماسی - عاطفی نگاشته شده و باظرافت در بافت موسیقایی قطعه جای گرفته است. انتساب این اثر به یک سمفونی حماسی، نشانگر ساختار روایی گسترده و پیام اجتماعی آن است و هماهنگی مفهومی شعر با تصاویر فیلم، تأثیر احساسی اثر را برای مخاطب دوچندان می‌کند. راز سرخ به‌عنوان مومنان هفتم سمفونی «ساحت حماسه»، در قالبی منجمد و ارکسترال طراحی شده که در آن آواز ایرانی نه‌تنها حضور دارد، بلکه در مرکز روایت صوتی قرار گرفته است. این قطعه با تنظیم حسین شریفی و رهبری گروه کر توسط سرژیک میرزاییان، قطعه با تلفیق سازهای زهی، کُر و تک‌خوان، فضایی

مدار صفر درجه

وقتی به تاریخچه آثار تلویزیونی مان رجوع می‌کنیم هیچ اثری به میزان «مدار صفر درجه» در خط مقدم دستگاه فکری مستقل دوستداران ایران پسانقلابی قرار ندارد و آن‌ها را نمایندگی نمی‌کند. این سریال حرف‌های تازه‌ای برای گفتن داشت و حسن فتحی در مقام کارگردان به‌خوبی توانست مانند یک رهبر ارکستر، هارمونی شکل گرفته در میان قطعات کارش را حفظ کند و فلسفه سیاسی منتسب به انقلاب اسلامی را در متن یک سریال مهیج از دورانی که کشور ما درگیر جنگ بین‌الملل دوم شده بود را به تصویر در بیاورد. «حبیب پارسا» (شهاب حسینی) برای ادامه تحصیل به فرانسه می‌رود ولی آتش خصم هیتلر خیلی زودتر از آنچه فکرش را می‌کند آنجا را هم دربر می‌گیرد و حبیب مجبور می‌شود به ایران بازگردد. مخاطب با تماشای مدار صفر درجه نه‌تنها نسبت به جنایات ارتش نازی موضع‌گیری می‌کند و دلش به حال یهودیان می‌سوزد، بلکه توانم آن، از رفتار خصمانه صهیونیست‌ها اعلام انزجار می‌کند و دوستی خاله‌خرسه توده‌ای‌ها با حمایت شوروی و اشغال ایران توسط انگلیسی‌های مکرر را برنمی‌تابد. به بیان دیگر، جهانی که فتحی آن را در قالب حوادث مربوط به دهه ۲۰ می‌سازد به‌شدت با عقل ایرانی همساز و هم‌راستاست. عقلی که می‌گوید مقابله با زورگویی و تجاوزگری باید همیشه و به‌صورت مستمر مورد اشاره قرار بگیرد؛ خواه آن زورگویی از جانب آمریکا و بسله‌هایش باشد، خواه از طرف حکومتی که در زبان طرفدار کار و کارگر است ولی

کوچک جنگلی

خوشبختانه «میرزا کوچک‌خان» در سینما و تلویزیون ایران به‌عنوان یک پدیده همیشه زنده مورد اشاره و بازنمایی قرار گرفته است. امیر قویدل با «میرزا کوچک‌خان» و «سردار جنگل» گام اول و دوم را در جهت شناساندن این قهرمان ملی به مردم محکم برداشت و در ادامه مسعود جعفری جوزانی، محمدرضا ورزی و اردلان عااشوری هم به قیام جنگل پرداختند. اما این «ناصر تقوایی» و سپس «بهروز افخمی» بودند که مهم‌ترین اثر تلویزیونی در مورد میرزا را به نتیجه رساندند و برگ زرینی از تاریخ سریال‌سازی در ایران را رقم زدند. تقوایی پروژه کوچک جنگلی را با وسواس خاص خود شروع کرد ولی خیلی زود با تلویزیون به مشکل خورد و جایش را به بهروز افخمی جوان داد. افخمی وقتی پشت دوربین کوچک جنگلی قرار گرفت منبع اقتباسش از کتاب احمد احرار در مورد میرزا را تغییر داد و کتاب «سردار جنگل» نوشته «ابراهیم فخرایی» را جایگزین آن کرد. کوچک جنگلی یکی از اولین آثار ضداستعماری و ضد دخالت بیگانه در صداوسیماي تازه‌نفس آن سال‌ها بود و به‌خوبی

تفنگ سرپُر

هرقدر دست ما از بابت پرداختن به سوژه جنگ جهانی دوم پُر است، آورده چندان‌نی برای اشاره به دوران جنگ جهانی اول نداریم و به سختی می‌توانیم در مورد آن روزها فیلم یا سریالی پیدا کنیم. «تفنگ سرپر» یکی از معدود نمونه‌های قابل اشاره برای پُر کردن تمام آن خلاهاست. «ام‌الله احمدجو» در میانه دهه هفتاد تصمیم گرفت که پس از تکمیل فیلمنامه، سریال «تفنگ سرپر» را جلوی دوربین ببرد. کار او و عواملش نزدیک به چهار سال به طول انجامید تا عملاً در سال ۱۳۸۱ مهم‌ترین سند تصویری رسانه ملی و به‌طور کُل، تمام آن چیزی که ما از آن به‌عنوان مدیوم تصویر یاد می‌کنیم برای عموم مردم ایران پخش شود. کارگردان «روزی روزگاری» در این اثر ضمن روایت زندگی اجتماعی مردم آن روزگار، به جنایات ارتش روسیه تزاری در ایام اشغال ایران به دست دولت متفکین و عثمانی پرداخت و در حاشیه آن از طریق متن درام، حکومت

آتش و باد

یکی از آخرین سریال‌های تلویزیونی در باب دخالت خارجی در ایران، «آتش و باد» ساخته «مجتبی راعی» است. این اثر برای رسیدن به آتن فرایند نسبتاً طولانی‌ای را پشت سر گذاشت و عاقبت در سال ۱۴۰۲ پخشش آغاز شد. رویکرد راعی در این مجموعه در مقایسه با دیگر آثار که از آن‌ها نام برده شد، اندکی متفاوت بود؛ زیرا او با اشاره به تاریخ استان فارس در حوالی دوران مشروطه، بیشتر بر نحوه زیست مردم این خطه اشاره کرد و در پس‌زمینه به مسئله استعمار انگلیس پرداخت. انگلیسی‌ها برای ورود به جنگ جهانی اول نیاز مبرمی به سوخت داشتند و برای این کار باید به مناطق نفت‌خیز جنوب ایران دسترسی پیدا می‌کردند، به‌طوری‌که کلید انجام این کار در دست اهالی شیراز بود و پروژه نفوذ

برای رسیدن به اهدافش از هیچ فعل ناشایستی دریغ نمی‌کند. حبیب پارسا در عین اینکه از نامزد یهودی خود جانانه دفاع می‌کند، در برابر عموی صهیونیست همان دختر دست از پا نمی‌کشد و تا نابودی کامل او آرام نمی‌گیرد.

سریال فصل مهمی از روایت خود را به حضور نظامی قوای متفکین در تهران اختصاص داد و چهره غم‌گرفته و قحطی‌زده وطن در آن دوران را با استفاده از آکسسواری که در اختیار داشت بازنمایی کرد، ولی آیا راهی که حسن فتحی با مدار صفر درجه در پیش گرفته بود ادامه پیدا کرد؟ آیا جهان‌بینی ایرانی نسبت به وقایع پیرامونی‌اش پس از این مجموعه تلویزیونی در دیگر آثار هم پی گرفته شد؟ اینطور به نظر نمی‌رسد.



توانست از پس به تصویر درآوردن قیام جنگلی و مبارزه میرزا با انگلیسی‌ها و رضاخان بر بیاید. کوچک جنگلی یکی از اولین سریال‌های بیگ پروداکشن تلویزیون بود که بعدها رسانه‌ها از این قبیل آثار با برچسب «الف و یژه» یاد کردند.



بی‌کفایت قاجار را نقد کرد. تفنگ سرپر با وجود آنکه نتوانست موفقیت احمدجو در زمان پخش مجموعه تلویزیونی روزی روزگاری را تکرار کند، ولی با استقبال نسبتاً خوبی از طرف مخاطبان هدفش مواجه شد.



در ایمن منطقه باید هرچه زودتر وارد فاز عملیاتی می‌شد. راعی در «آتش و باد» ضمن روایت مبارزات عشایر فارس علیه نیروهای انگلیسی به آتش شعله‌ور قیام مشروطه‌خواهان در فارس نیز اشاره کرد.



برسانند. در این میان، صدای معتمدی همچون پلی است میان موسیقی سنتی ایرانی و ساختارهای مدرن ارکسترال که توانسته است محتوای اثر را برای مخاطبان مختلف ملموس تر کند. راز سرخ اثری است حاصل هم‌افزایی میان شعر، موسیقی و تصویر؛ قطعه‌ای که در آن آواز ایرانی، بر بستر ارکسترسمفونیک، معنا و عمق تازه‌ای می‌یابد. اشک‌هور فیلمی سینمایی درباره انتظار ۲۲ ساله مادر شهید علی هاشمی برای تخصص پیکر پاک اوست. این فیلم به کارگردانی مهدی جعفری و به همت سازمان سینمایی تولید و هم‌اکنون از طریق پلتفرم‌های نمایش خانگی به‌صورت آنلاین اکران شده است. تقدیم این قطعه به فیلم‌اشک‌هور نه‌تنها ادای احترام به سینمای جنگ و مقاومت است، بلکه تجلی نوعی هم‌دستانی هنرمندانه با تاریخ معاصر ایران است. این اثر نشان می‌دهد در تقاطع موسیقی و سینما، چگونه می‌توان با زبان نغمه و تصویر، از رنج، عشق و وطن گفت؛ بی‌آنکه کلامی زیاد گفت، اما بسیار شنید.

حماسی و درعین‌حال انسانی خلق می‌کند. این ترکیب صوتی، با درام و لایه‌های احساسی فیلم هماهنگ است و نقش مهمی در تقویت روایت ایفا می‌کند. صدای معتمدی با بهره‌گیری از تحریرها و تکنیک‌های خاص آواز ایرانی، در میان بافت ارکسترال جاری شده و نه‌تنها به‌عنوان یک‌صدای همراه، بلکه به‌عنوان راوی اصلی ظاهر می‌شود. او با رزونانس کنترل‌شده و نوانس‌های دقیق، فضا را از نظر احساسی و بیانی غنا می‌بخشد. راز سرخ با سکوت آغاز می‌شود، با ورود تدریجی سازها و کر، به‌تدریج به اوج می‌رسد و سپس به فرودی آرام ختم می‌شود. این مسیر موسیقایی با ریتم درونی روایت فیلم و سیر دراماتیک آن همسوست. ادغام موسیقی ارکسترال و آواز ایرانی در قالب یک قطعه سینمایی، نشانی است از ظرفیت موسیقی در دیپلomas فرهنگی و انتقال مفاهیم انسانی. این همکاری هنری نه‌تنها تجربه‌ای زیباشناسانه ارائه می‌دهد، بلکه توان آن را دارد که مخاطبانی با سلیقه‌های متفاوت را به زبان مشترکی از حس و خاطره